



شرم مذاهب از صهیونیسم

وطن امروز



شروع توفانی

عملکرد خیره کننده ورزشکاران ایران
در روز نخست بازی های پار آسیایی ۲۰۲۲ هاگوزو
با ۹ مدال طلا

صفحه ۶

تیتراهای امروز

سفر وزیر راه و شهرسازی به ارمنستان برای آغاز
ساخت بخشی از کریدور شمال - جنوب
و احداث پل دوم در نوردوز

پل صلح

رئیس جمهور در دیدار وزیر خارجه باکو:
اسرائیل دوست هیچ کشور مسلمانی نیست

کنایه به الهام

امیر عبداللهیان:
نوبت صلح در قفقاز جنوبی است
خدمات رایگان روانشناسی و دندانپزشکی
هم به بیمه سلامت اضافه شد

درمان بدون دغدغه هزینه

مؤسسه کپلر از صفر شدن ذخایر نفتی بدون
مشتری و شناور روی آب ایران گزارش داد

فروش نفت در دریای تحریم

بارش باران در اغلب استان ها تا پایان هفته

آبان با باران

بارندگی ها در مهرماه ۲۰ درصد بیشتر
از میانگین ۳۰ سال اخیر بود

۲۵۲
طنز راه راه
ندیدن با نفهمیدن، مسئله این است
چشم بندی
صفحه ۵

دیدگاه

دیپلماسی اندیشکده‌ای و ابر جالش های بین المللی

حامد زرگر: پیچیدگی شرایط بین المللی که بعضا تحت عنوان «گذار جهانی» از آن یاد می شود، ضرورت توجه به روش های خلاقانه نوین را در دیپلماسی جهانی برجسته کرده است. وقایع اخیر در رابطه با جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و انفعال دولت ها در این زمینه همزمان با جریحه دار شدن افکار عمومی و خشم شهروندان آزاده جهان بار دیگر نشان داد نظم در حال تحول نظام جهانی با چالش هایی مواجه است که حل و فصل آنها بدون بازاندیشی در دیپلماسی رسمی و مرسوم ممتنع خواهد بود.

یکی از ظرفیت های نوینی که می تواند پیشرانانه وارد عرصه مناقشات جهانی دیپلماتیک شود، دیپلماسی علمی و اندیشکده‌ای است که مبتنی بر کاررویه های متعدد اندیشکده ها این امکان را دارد که با استفاده از تجربه های داخلی، وارد حوزه های سیاست خارجی و روابط بین الملل شده و به تصمیم سازی در روابط فراسرزمینی کمک کند.

البته بهره گیری از دیپلماسی علمی و فناوری با هدف تامین اهداف و منافع ملی و رسیدن به سطحی از همکاری های بین المللی امر جدیدی نیست و پیش تر توسط دولت ها با استفاده از ظرفیت های دانشگاهی و علمی مورد استفاده قرار گرفته است. آنچه در این میان مورد تاکید نگارنده است، ناظر به ۲ نکته است: اول استفاده از دیپلماسی علمی در راستای «حل منازعات بین المللی»؛ مسائلی که مانند مساله فلسطین تبدیل به ابرچالش بین المللی شده اند و سال هاست دولت ها نسبت به آن در موضع انفعال قرار گرفته اند و دوم به کارگیری ظرفیت «اندیشکده ها» که ساختاری جدید هستند و با وجود آنکه چندان از عمرشان نمی گذرد، به واسطه ویژگی هایی مانند بین رشته ای بودن، واسطه میان دانشگاه و حاکمیت بودن، ارتباط عمیق و موثر با میدان و جامعه مدنی برقرار کردن و توجه به امر مسؤولیت اجتماعی، امکانی برای حل چالش ها و مسائل داخلی کشورها گشودند.

لذا اندیشکده ها که تاکنون در عمر کوتاه شان، در داخل مرزهای کشورها با استفاده از شبکه سازی نخبگانی و در دستور کار قرار دادن امر مسؤولیت اجتماعی، تدوین و تنفیج الگوی مطلوب حکمرانی را هدف خویش قرار داده اند، نمی توانند نسبت به الگوی مطلوب حکمرانی در عرصه های جهانی و فرجایی مانند آنچه امروز در غزه می گذرد، بی تفاوت بوده و «مسؤولیت اجتماعی» خویش را در قبال جان های کودکانی که سهم شان از زندگی مرگ دسته جمعی است، نادیده بگیرند.

ادامه در صفحه ۶

ملت های جهان از جنایات رژیم صهیونیستی در غزه خشمگین هستند اما صهیونیست ها با حمایت آمریکا و دولت های غربی و در سایه بی عملی سازمان ملل و شورای امنیت، به نسل کشی مردم غزه ادامه می دهند

تاکنون ۵۰۸۷ فلسطینی از جمله ۲۰۵۵ کودک به شهادت رسیده اند

ختم حقوق بشر

صفحه ۲



نظم جدید جهانی مد نظر آمریکا چه خصوصیات دارد؟

که نظریه پردازان روابط بین الملل از تغییر در نظم جهانی می گویند، منظورشان تغییر نظم تک قطبی جهان و پیشروی دنیا به سمت نظام چندقطبی و قدرت گرفتن قدرتهای محلی است. در این نظم جدید، آمریکا شاید هنوز یکی از قدرتهای مطرح و اصلی دنیا باشد اما مطمئنا دیگر قدرت اول دنیا نیست و در جایگاهی که پیش از این قرار داشته، نمی تواند باشد. اصول ابتدایی تغییر نظم جهانی که بسیاری بر این عقیده اند هم اکنون در آن قرار داریم و دیگر «نور گذار» را به پایان برده ایم، کاهش قدرت آمریکا، شکل گرفتن اتحاد های منطقه ای اقتصادی و نظامی، ظهور و بروز قدرتهای اقتصادی و سیاسی جدید در دنیا و شکل گرفتن ائتلاف هایی است که پیش از این نمی توانستند تأثیر زیادی روی مسائل جهانی داشته باشند اما حالا می توانند نظم جدیدی را در دنیا ایجاد کرده و آن را حفظ کنند. آمریکا اما در این نظم جدید در کجا قرار دارد؟

به نفس داشته باشیم تا جهان را به شکلی بی سابقه متحد کنیم، فکر می کنم فرضی داریم تا کارها را انجام دهیم». وی با این حال شواهد کمی از چگونگی تغییر نظم جهانی به نفع ایالات متحده در سخنانش ارائه کرد و تنها به گفتن این نکته بسنده کرد که آمریکا می تواند این بار هم محور و قدرت اصلی در نظم جهانی باشد. اعتراف یابین به اینکه نظم جهانی در حال تغییر است، مساله ای است که به نظر می رسد بسیاری از تحلیلگران روابط بین الملل را با او در این نظرات همسو می کند اما رئیس جمهور آمریکا در حالی از تلاش آمریکا برای رهبری جهان در نظم جدید جهانی می گوید که به نظر می رسد نمی داند نظم پیشین نیز مبتنی بر نظام تک قطبی و ابر قدرتی ایالات متحده بود و اگر قرار باشد همین مساله در سال های آینده نیز ادامه یابد، مطمئنا دیگر نمی توان گفت نظم جهانی تغییر کرده است، زمانی

که فقط دیگر حنای هژمونی آمریکایی با رو آمدن رقبای جهانی و قدرتهای منطقه ای رنگی و سفید و مقام اقتصاد اول دنیا را هم به چین و متحده شرقی اش واگذار کرده، بلکه در خانه هم اوضاع خوب نیست و ساختار حکمرانی ایالات متحده نیز به گواه نخبگان خودش از درون در حال فروپاشی است. البته فراموش نمی کنیم که بایند تیم لیبرال های اینترنشنالیست حزب دموکرات، در تمام ۳ ساله که از حضورشان در کاخ سفید می گذرد، مدام از در تکذیب سقوط نظم جهانی فعلی و خطاب کردن آن با عنوان نظم قبلی یا در حال گذار - طبق ادبیات سیاسی روسی، چینی و ایرانی - درمی آمدند، چرا که آن را آخرین میراث به جا مانده از دوران ابر قدرتی عمو سام می دانستند. حتی رسانه های زنجیره ای آنها، طی حدود یک سال و ۸ ماهی که از جنگ اوکراین با همه تبعات جهانی اش می گذرد، تغییر نظم جهانی را یک توهم شرقی می خواندند.

اینکه چرا بایند اکنون پس از در گرفتن معرکهای می مانند در سرزمین فلسطین میان صهیونیسم و جبهه مقاومت که بوی تهدید موجودیت منحوس اسرائیل از آن به مشام می رسد، به صرافت اعترافی تاریخی افتاده، بسیار حائز اهمیت است. فراموش نکرده ایم که در زمان آخرین تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به خاک لبنان در سال ۲۰۰۶، کاندولیزا رایس، وزیر خارجه دولت بوش، جنایات اسرائیلی ها در جنگ تموز (۳۳ روزه) را به درد پیش از زایمان تشبیه کرده و مدعی تولد خاورمیانه ای جدید بعد از آن جنگ شده بود. با شکست ارتش عبری از حزب الله، فرزند نامشروع آمریکا و اسرائیل، مرده به دنیا آمد و باقی داستان تا امروز را همه می دانیم.

آیا این بار هم باید منتظر یک زایمان دردناک اما تاگم دیگر توسط نظام سلطه باشیم؟ بعید است این بار حتی زایمانی در کار باشد، چرا که حتی خود بایند اعتراف می کنند نظم جهانی کنونی به رهبری ایالات متحده، مرده است.

ادامه در صفحه ۶

ادامه در صفحه ۶

ادامه در صفحه ۶